



## فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره

۲۸

دوره ۸، شماره ۱، پیاپی ۲۸  
بهار ۱۴۰۴

مقاله علمی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۳/۱۱/۲۹  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۴/۰۲/۰۳  
صص: ۲۶-۷

شاپا چاپی: ۵۳۲۲-۲۶۷۶



Q4

### طراحی مدل ساختاری دلزدگی زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان متأهل

سیمین غفاری<sup>۱</sup>، سحر شکور<sup>۲</sup>، آفاق جعفری<sup>۳</sup>، نسرين بذرافشان پور<sup>۴</sup> و احسان محمدی<sup>۵</sup>

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل ساختاری دلزدگی زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان متأهل بود. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی در گروه مطالعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این مطالعه، کلیه زنان متأهل منطقه ۴ شهر تهران در تابستان سال ۱۴۰۳ بود. حجم نمونه، ۴۰۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش از مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو بگی و همکاران (۱۹۹۴)، مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین نلسون و کارول (۲۰۰۶) و مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) به‌عنوان ابزار ارزیابی استفاده شد. رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS 28 و AMOS 24 آزمون شد. نتایج این پژوهش نشان داد ناگویی هیجانی توانست پرخاشگری ارتباطی پنهان و دلزدگی زناشویی را به‌طور مستقیم پیش‌بینی کند. همچنین، پرخاشگری ارتباطی پنهان به نحو مستقیم توانست دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی کند. در نهایت، پرخاشگری ارتباطی پنهان توانست رابطه ناگویی هیجانی با دلزدگی زناشویی در زنان متأهل را میانجی کند ( $p < 0/05$ ). با توجه به یافته‌های این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که روان‌شناسان و مشاوران خانواده می‌توانند با بهبود ناگویی هیجانی و پرخاشگری ارتباطی پنهان، دلزدگی زناشویی در زنان متأهل را کاهش بخشند.

**کلیدواژه‌ها:** ناگویی هیجانی؛ پرخاشگری ارتباطی پنهان؛ دلزدگی زناشویی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان، آشتیان، ایران. [sghafaripsyco@gmail.com](mailto:sghafaripsyco@gmail.com)
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، علوم آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) [saharshakour63@gmail.com](mailto:saharshakour63@gmail.com)
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران. [Afaghe.jafari@gmail.com](mailto:Afaghe.jafari@gmail.com)
۴. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران. [Nasrin.bazrafshan@gmail.com](mailto:Nasrin.bazrafshan@gmail.com)
۵. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی و تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران. [mohammadi8273@gmail.com](mailto:mohammadi8273@gmail.com)

## مقدمه

خانواده، مهم‌ترین نهاد اجتماعی و هسته اصلی آن، کیفیت رابطه زناشویی است (رحمانیان و غلام پور گنجه، ۱۴۰۳). یکی از آسیب‌هایی که کیفیت رابطه زناشویی را تهدید می‌کند، بروز فرسودگی زناشویی می‌باشد (کوچیگت و اوزون، ۲۰۲۴، ۱). دلزدگی زناشویی به حالتی از خستگی جسمی، هیجانی و روانی اشاره دارد که از ناهماهنگی بین انتظارات و واقعیت‌های رابطه زناشویی ناشی می‌شود (ناظران، حقایق، ریسی و دهقانی، ۱۴۰۳). دلزدگی زناشویی، پاسخ پیچیده‌ای به چالش‌های رایج و استرس‌های مزمنی است که زوجین در روابط عاشقانه با آن‌ها مواجه می‌شوند، مانند فشار مالی، مسائل مربوط به تعادل کار و زندگی و مسئولیت‌های مراقبت از فرزند (توپکایا، ساهین، تریوگولاری ییلماز و آساتوگول، ۲۰۲۴، ۲). دلزدگی فرآیندی تدریجی و تراکمی است به طوری که با شروع اختلاف نظرات، بروز تعارضات زناشویی و انباشته شدن آن‌ها، به مرور علاقه و صمیمیت زوجین نسبت به یکدیگر کاسته می‌شود و به جای حل مسائل، با اجتناب از یکدیگر، ارتباط زناشویی خود را در معرض گسیختگی قرار می‌دهند (رجایی، نصری و شهابی زاده، ۱۴۰۳). تشدید دلزدگی زناشویی می‌تواند با علائم پیچیده بدنی، شناختی و عاطفی مانند خستگی مزمن، احساسات منفی در مورد رابطه زناشویی و آینده آن، یأس، احساس جدایی، رنجش خاطر و کاهش صمیمیت زناشویی همراه شود (رزم آرا، جاجرمی و دوستکام، ۱۴۰۲). دلزدگی زناشویی می‌تواند موجب کاهش کیفیت زندگی و رضایت زناشویی گردد و زمینه‌ساز طلاق عاطفی و طلاق قانونی گردد (فاطمی، دیاریان و موسوی، ۲۰۲۵). مشکلات روان‌شناختی زوجین مانند اختلالات خلقی و اضطرابی و گرایش به مصرف مواد، مشکلات در تحول بهنجار فرزندان و ایجاد یک خانواده گسسته و آشفته از دیگر پیامدهای منفی دلزدگی زناشویی به شمار می‌آید (یوسفی، سامانی و گودرزی، ۱۴۰۱). دلزدگی زناشویی حالتی به شدت مخرب است که به دلیل احساس مستمر دلسردی، ناامیدی و ترس از جدایی، همه بخش‌های زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمانی اتفاق می‌افتد که افراد متوجه می‌شوند که علی‌رغم تلاش‌هایشان، رابطه زناشویی آن‌ها،

1 Koçyiğit & Uzun

2 Topkaya, N., Şahin, E., Terzioğulları Yılmaz, C., & Aşantuğrul, N.

اشتیاق و معنایی به زندگی‌شان نداده و نخواهد داد (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۱).

برخی پژوهشگران بر این باورند که یکی از عوامل دخیل در دلزدگی زناشویی، ناگویی هیجانی زوجین می‌باشد (قاسمی، دمهری و عبویی، ۲۰۲۳). ناگویی هیجانی با ناتوانی بالینی در شناسایی و توصیف احساسات تجربه‌شده توسط خود یا دیگران و تفکر عینی تعریف می‌شود و مشخصه اصلی آن اختلال عملکرد در آگاهی عاطفی، دلبستگی اجتماعی و ارتباط بین فردی است (متحملیان و سجادیان، ۱۴۰۳). افراد مبتلا به ناگویی هیجانی، به دلیل نقص در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی، تمایل دارند نشانه‌ها را به شیوه‌ای خصمانه تفسیر کنند و رفتارهای ناسازگارانه‌ای مانند پرخاشگری از خود نشان دهند (وی، فان و ژو، ۲۰۲۴). این افراد، تظاهرات غیرکلامی از هیجانات ندارند، سرد هستند، احساس همدلی و همدردی کمتری دارند (سیفی، جمشاد، نجفعلی زاده، اسدی و محمدی، ۱۴۰۰)، رفتارهای اجتنابی از خود نشان می‌دهند، تفکر آن‌ها معطوف به بیرون است و رفتارشان توسط انتظارات و برنامه دیگران تعیین می‌شود تا خواسته‌ها، ارزش‌ها و آرزوهای خودشان (فرامرزی راد، رباط میلی، ابوالمعالی الحسینی و زارع بهرام آبادی، ۱۴۰۲). زوجینی که سطوح بالایی از ناگویی هیجانی را تجربه می‌کنند، به‌ویژه در موقعیت‌های تنش‌زای زندگی زناشویی، به دلیل ناتوانی در شناخت و توصیف هیجانات خود و همسرشان، به‌احتمال بیشتری در تنظیم هیجاناتشان ناموفق عمل می‌کنند و به پرخاشگری ارتباطی پنهان روی می‌آورند (جمشاد و داوری، ۱۴۰۱)؛ بنابراین محتمل است که ارتباط بین ناگویی هیجانی با دلزدگی زناشویی، توسط پرخاشگری ارتباطی پنهان میانجی شود. در پرخاشگری ارتباطی پنهان، زوجین از طریق اعمال نفوذ هدفمند تلاش می‌کنند از طریق کناره‌گیری عاطفی (مانند بی‌توجهی عاطفی، عدم برقراری رابطه جنسی و تهدید به جدایی) و خراب کردن وجهه اجتماعی (نظیر بدگویی، غیبت، افترا، شایعه‌سازی و آشکارسازی اطلاعات خصوصی همسر با دیگران) به همسر و رابطه زناشویی‌شان آسیب رسانند (بشیری، باقری و طاهری، ۱۴۰۳). پرخاشگری ارتباطی پنهان می‌تواند موجب افزایش تعارض زناشویی، کاهش پایداری رابطه زناشویی و بروز طلاق عاطفی در زوجین گردد (درگاهی، اعیادی و خبازی، ۱۴۰۳). بررسی ادبیات پژوهشی نشان داد که مطالعات معدودی در

خصوص ارتباط متغیرهای ناگویی هیجانی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و دلزدگی زناشویی با یکدیگر وجود دارد برای مثال یافته‌های پژوهش جمشاد و داوری (۱۴۰۱) حاکی از آن بود که ناگویی هیجانی موجب افزایش پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان متأهل می‌گردد. وی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴) نیز به این نتیجه دست یافتند که استرس ادراک‌شده در رابطه بین ناگویی هیجانی و رفتار پرخاشگرانه نقش میانجی ایفا می‌کند. اسماعیلی انامق، پاک نژاد و نریمانی (۱۴۰۳) در پژوهشی فرا تحلیل گزارش کردند که هر چه ناگویی هیجانی در زوجین افزایش یابد، رضایت زناشویی آن‌ها کاسته می‌شود و احتمال بروز دلزدگی زناشویی افزایش می‌یابد. امینی، مردانی راد، خسروی بابادی و پوشنه (۱۴۰۲) نیز گزارش کردند که با افزایش پرخاشگری ارتباطی پنهان، میزان رضایت زناشویی زنان متأهل کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج مطالعه بخشی (۱۴۰۰) نیز نشان داد که دشواری در شناسایی احساسات موجب می‌شود تا زوجین همدلی، شناخت و درک عمیقی از یکدیگر نداشته باشند و نتوانند نیازها، هیجانات و احساسات یکدیگر را بشناسند و درک کنند که این امر موجب افزایش دلزدگی زناشویی در زنان متأهل می‌گردد. با توجه این‌که بررسی پیشینه پژوهشی نشان داد در خصوص ترکیب این متغیرها بدین نحو، خلاء پژوهشی وجود دارد و شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده دلزدگی زناشویی در زنان متأهل، می‌تواند در راستای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه محور و مداخله محور مورد استفاده قرار گیرد، انجام این پژوهش حائز اهمیت و ضرورت می‌باشد. با توجه به موارد مذکور، هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل ساختاری دلزدگی زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان متأهل بود. همچنین، پرسش اصلی این پژوهش عبارت بود از این‌که: آیا مدل ساختاری دلزدگی زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان متأهل، دارای برازش مطلوبی است؟

## روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی در گروه مطالعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان متأهل منطقه ۴ شهر تهران در تابستان

1 Wei, C.

سال ۱۴۰۳ بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران در جوامع نامعلوم ( $d=0/05$ )، ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱) دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال (۲) عدم ابتلا به مشکلات روان‌پزشکی یا جسمانی حاد (۳) رضایت آگاهانه و همکاری در پژوهش. ملاک خروج از پژوهش عبارت بود از: پاسخگویی ناقص یا بر اساس یک الگوی غیرمنطقی به پرسشنامه‌ها. آزمودنی‌ها از مراکز بهداشت، فرهنگ‌سراها و کتابخانه‌ها منطقه ۴ شهر تهران انتخاب شدند و محقق در ابتدا، در خصوص هدف کلی و اصول اخلاقی پژوهش (رازداری، حفظ حریم خصوصی و گزارش نتایج به صورت فردی و نه کلی) توضیحاتی را برای زنان متأهل ارائه نمود و از آن‌ها درخواست کرد که در صورت تمایل و رضایت، پرسشنامه‌ها را صادقانه تکمیل نمایند. شرکت‌کنندگان با فرم اطلاعات جمعیت شناختی (شامل سن، مقطع تحصیلی و مدت زمان زندگی مشترک)، مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو بگبی، تیلور و پارکر (۱۹۹۴)، مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین نلسون و کارول (۲۰۰۶) و مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) ارزیابی شدند. پس از گردآوری داده‌ها، رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS 28 و AMOS 24 آزمون شد.

### ابزار سنجش

#### مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو بگبی و همکاران (۱۹۹۴)

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو دارای ۲۰ آیتم و باهدف ارزیابی ناگویی هیجانی توسط بگبی و همکاران (۱۹۹۴) طراحی شده و شامل سه خرده‌مقیاس دشواری در شناسایی احساسات (۷ آیتم)، دشواری در توصیف احساسات (۵ آیتم) و تفکر عینی (۸ آیتم) است. آیت‌های این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) نمره‌گذاری می‌شود؛ بنابراین، دامنه نمره کل این پرسشنامه از ۲۰ تا ۱۰۰ می‌باشد. هر چه نمره اکتسابی فرد

1 Bagby, R. M., Taylor, G. J., & Parker, J. D.

2 Nelson, D. A., & Carroll, J. S.

3 Pines, A. M.

در این مقیاس بیشتر باشد، میزان ناگویی هیجانی بیشتر خواهد بود و بالعکس. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز وجود سه عامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را در نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی خلقی تورنتو-۲۰ تأیید کردند (بشارت، ۲۰۰۷). در نسخه فارسی مقیاس ناگویی خلقی تورنتو-۲۰ ضریب آلفای کرونباخ برای ناگویی خلقی کل و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش شد (بشارت، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر، میزان پایایی به روش ضریب آلفای کرونباخ نمره کل این مقیاس ۰/۸۷، عامل دشواری در شناسایی احساسات ۰/۷۸، دشواری در توصیف احساسات ۰/۷۳ و تفکر عینی ۰/۸۱ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب این ابزار بود.

#### مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین نلسون و کارول (۲۰۰۶)

مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین دارای ۱۲ آیتم و با هدف ارزیابی میزان پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه زوجین توسط نلسون و کارول (۲۰۰۶) طراحی شده است. ۲ خرده مقیاس این پرسشنامه عبارت‌اند از: ۱) (کناره‌گیری عاطفی (آیتم‌های ۱ تا ۶) ۲) خراب کردن وجهه اجتماعی (آیتم‌های ۷ تا ۱۲). شیوه نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (از خیلی کم= ۱ تا خیلی زیاد = ۷) است؛ بنابراین، دامنه نمره کل این پرسشنامه از ۱۲ تا ۸۴ می‌باشد. هر چه نمره اکتسابی فرد در این مقیاس بیشتر باشد، میزان پرخاشگری ارتباطی پنهان بیشتر خواهد بود و بالعکس. کارول، نلسون، یورگاسون، هارپر، آشتون و جنسن (۲۰۱۰) در تحلیل عاملی تأییدی که انجام دادند، ۶ آیتم برای کناره‌گیری عاطفی و ۶ آیتم برای خراب کردن وجهه اجتماعی را تأیید نمودند. پایایی به روش ضریب آلفای کرونباخ نمرات کناره‌گیری عاطفی برای شوهران ۰/۹۰ و همسران ۰/۸۶ و برای نمرات خراب کردن وجهه اجتماعی شوهران ۰/۸۸ و همسران ۰/۹۰ گزارش شد (کارول و همکاران، ۲۰۱۰). در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در زوجین ایرانی، تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل دو عاملی مقیاس پرخاشگری پنهان ارتباطی به‌خوبی با داده‌ها برازش داشت و ضریب آلفای

کرونباخ ۰/۸۵، اعتبار همگرا ۰/۴۷، اعتبار واگرا ۰/۴۲- گزارش شد (خزاعی، نوابی نژاد، فرزاد و زهراکار، ۱۳۹۵). در مطالعه حاضر، میزان پایایی به روش ضریب آلفای کرونباخ نمره کل این مقیاس ۰/۷۸، کناره‌گیری عاطفی ۰/۷۹ و خراب کردن وجهه اجتماعی ۰/۷۲ به دست آمد.

مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)

مقیاس دلزدگی زناشویی دارای ۲۱ آیتم با هدف ارزیابی دلزدگی زناشویی توسط پاینز (۱۹۹۶) طراحی شده است. ۳ خرده مقیاس این پرسشنامه عبارت‌اند از: ۱) (خستگی جسمی ۲) خستگی عاطفی (۳) خستگی روانی. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (از هرگز=۱ تا همیشه =۷) است؛ بنابراین، دامنه نمره کل این پرسشنامه از ۲۱ تا ۱۴۷ می‌باشد. هر چه نمره اکتسابی فرد در این مقیاس بیشتر باشد، میزان دلزدگی زناشویی بیشتر خواهد بود و بالعکس. روایی محتوا و سازه آن تأیید و پایایی به روش بازآزمایی در یک دوره یک ماهه ۰/۷۶ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ گزارش شده است (پاینز، ۱۹۹۶). در جامعه ایرانی، روایی واگرا با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۰/۴۰- و پایایی به روش دو نیمه سازی و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۸ به دست آمد (سبزچمنی، ۱۳۹۹). در مطالعه حاضر، میزان پایایی به روش ضریب آلفای کرونباخ نمره کل این مقیاس ۰/۹۲، خستگی جسمی ۰/۸۵، خستگی عاطفی ۰/۹۰ و خستگی روانی ۰/۷۹ به دست آمد.

### یافته‌ها

در این پژوهش رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) آزمون شد. حداکثر سطح خطای آلفا جهت آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ تعیین شد ( $p \leq 0/05$ ). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS 28 و AMOS 24 انجام شد. پیش از انجام تحلیل نهایی به غربالگری داده‌ها پرداخته شد و داده‌های پرت تک متغیره با نمودار جعبه‌ای شناسایی و اصلاح شدند. داده‌های پرت چندمتغیره با روش فاصله مهالانویس شناسایی شدند که تعداد ۸ پاسخگو بر اساس مقدار کای اسکوتر به‌عنوان داده پرت چندمتغیره شناسایی و حذف شدند و حجم نمونه نهایی

برابر با ۳۹۲ نفر بود. مفروضه عدم همخطی چندگانه با عامل تورم واریانس ارزیابی شد که آماره بدست آمده برای دو متغیر ناگویی هیجانی و پرخاشگری ارتباطی پنهان برابر با ۱/۱۴ بود که کمتر از ۵ بود و نشان از عدم وجود همخطی چندگانه داشت. مفروضه نرمال بودن چندمتغیره با بررسی مقادیر کشیدگی و نسبت بحرانی که در خروجی نرم‌افزار ایموس گزارش می‌شود ارزیابی شد و چون نسبت بحرانی بدست آمده برابر با ۲/۱۸ بود و در دامنه ۲/۵۶- تا ۲/۵۶+ بود، مفروضه نرمال بودن چندمتغیره تأیید شد.

از نظر ویژگی‌های زمینه‌ای، نمونه آماری شامل زنان متأهل بود که از نظر تحصیلات ۵۷ نفر (۱۳/۳٪) کمتر از دیپلم، ۷۹ نفر (۲۰/۱٪) دیپلم، ۱۶۰ نفر (۴۰/۸٪) کاردانی و کارشناسی و ۱۰۱ نفر (۲۵/۸٪) دارای تحصیلات تکمیلی بودند. میانگین سن پاسخگویان ۳۱/۹۰ سال با انحراف استاندارد ۲/۶۰ بود که دامنه سن از حداقل ۲۵ تا حداکثر ۴۰ سال بود. در جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرها و همبستگی بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون آمده است.

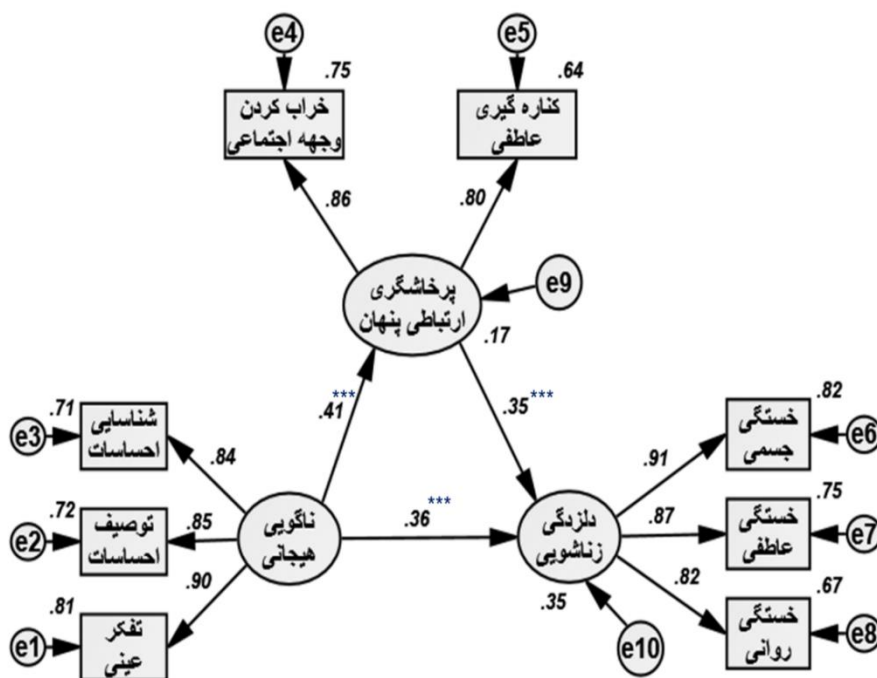
جدول ۱. آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش به همراه آماره‌های توصیفی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. شناسایی احساسات	۱										
۲. توصیف احساسات	۰/۷۱**	۱									
۳. تفکر عینی	۰/۷۶**	۰/۷۷**	۱								
۴. ناگویی هیجانی (کل)	۰/۹۱**	۰/۸۹**	۰/۹۳**	۱							
۵. کناره‌گیری عاطفی	۰/۲۸**	۰/۳۵**	۰/۲۹**	۰/۳۳**	۱						
۶. خراب کردن وجهه	۰/۲۷**	۰/۳۶**	۰/۲۶**	۰/۳۷**	۰/۶۹**	۱					
۷. پرخاشگری ارتباطی (کل)	۰/۳۰**	۰/۳۸**	۰/۳۰**	۰/۳۶**	۰/۹۲**	۰/۹۲**	۱				
۸. خستگی جسمی	۰/۳۷**	۰/۳۶**	۰/۳۸**	۰/۴۱**	۰/۴۱**	۰/۳۶**	۰/۴۶**	۱			

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۹. خستگی عاطفی	۰/۳۶**	۰/۳۱**	۰/۳۶**	۰/۳۸**	۰/۳۲**	۰/۲۷**	۰/۳۳**	۰/۸۰**	۱		
۱۰. خستگی روانی	۰/۴۹**	۰/۴۱**	۰/۴۴**	۰/۴۹**	۰/۳۸**	۰/۳۹**	۰/۴۲**	۰/۷۳**	۰/۷۱**	۱	
۱۱. دلزدگی زناشویی (کل)	۰/۴۴**	۰/۳۹**	۰/۴۲**	۰/۴۶**	۰/۴۰**	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۰/۹۱**	۰/۹۴**	۰/۸۷**	۱
میانگین	۱۹/۵۹	۱۳/۵۲	۲۳/۶۸	۵۶/۷۹	۲۰/۹۷	۱۷/۵۶	۳۸/۵۳	۱۵/۳۴	۲۵/۳۸	۱۹/۹۷	۶۰/۶۹
انحراف معیار	۴/۳۰	۳/۱۸	۴/۲۲	۱۰/۶۸	۲/۸۴	۲/۸۲	۵/۲۱	۴/۲۷	۶/۷۸	۴/۲۶	۱۴/۰۰
کجی	۰/۲۸	۰/۴۹	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۷۳	۰/۸۳	۰/۷۹	۰/۳۸	۰/۶۲	۱/۶۹	۰/۸۵
کشیدگی	۰/۶۷	۰/۴۹	۰/۵۳	۰/۶۷	۰/۵۴	۰/۴۰	۰/۳۶	۰/۴۱	۰/۰۶	۳/۰۸	۰/۶۰

توجه:  $p < 0/05$  \* و  $p < 0/01$  \*\* =

مطابق نتایج جدول ۱، نرمال بودن تک متغیره با شاخص‌های کجی و کشیدگی بررسی شد و چون مقادیر کجی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه +۱ تا -۱ بدست آمد نشان از تأیید مفروضه نرمال بودن تک متغیره داشت. نتایج آزمون همبستگی نشان داد رابطه معنی‌داری بین تمامی متغیرها وجود داشت ( $p < 0/01$ ). بین ناگویی هیجانی با دلزدگی زناشویی رابطه معنی‌دار وجود داشت که جهت رابطه مثبت بود و شدت همبستگی مقدار متوسطی ( $r = 0/46$ ) بود. بین ناگویی هیجانی و پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه مثبت با شدت متوسط ( $r = 0/36$ ) و بین پرخاشگری ارتباطی پنهان با دلزدگی زناشویی نیز رابطه مثبت با شدت متوسط ( $r = 0/41$ ) وجود داشت. در بین مؤلفه‌های ناگویی هیجانی، مؤلفه دشواری در شناسایی احساسات قوی‌ترین رابطه را با دلزدگی زناشویی ( $r = 0/44$ ) داشت و در بین مؤلفه‌های پرخاشگری ارتباطی پنهان، مؤلفه مؤلفه کناره‌گیری عاطفی قوی‌ترین رابطه را با دلزدگی زناشویی ( $r = 0/40$ ) داشت. مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری و در نرم‌افزار ایموس آزمون شد. شکل ۱ مدل تجربی در حالت ضرایب استاندارد است و سطح معنی‌داری با علامت ستاره مشخص شده است.



شکل ۱ نشان داد تمامی روابط بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد معنی‌دار بود ( $p < 0.001$ ). مطابق یافته‌ها تأثیر مستقیم ناگویی هیجانی بر دلزدگی زناشویی معنی‌دار بود و متغیر میانجی پرخاشگری ارتباطی پنهان نیز تأثیر معنی‌داری بر دلزدگی زناشویی داشت. همچنین شدت ارتباط بین متغیرهای آشکار یا مؤلفه‌ها با سازه‌های پنهان بیشتر از مقدار حداقل ۰/۴۰ بود و نشان از روایی مناسب بخش اندازه‌گیری یا همان مؤلفه‌ها داشت. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازش	Chi square/df	RMSEA	GFI	CFI	NFI	IFI	PGFI	R <sup>2</sup>
معیار*	در بازه ۱ تا ۵	< ۰/۰۸	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۷۰	> ۰/۳۳

شاخص برازش	R <sup>2</sup>	PGFI	IFI	NFI	CFI	GFI	RMSEA	Chi square/df
نتیجه	۰/۳۵	۰/۷۳	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۰۷۵	۲/۵۰

\* (منبع: پاشاشریفی و همکاران، ۱۳۹۱)

در مجموع با ارزیابی تمامی شاخص‌های برازش در جدول ۲ می‌توان استنباط کرد در مدل تجربی تمامی شاخص‌های برازش مقدار قابل قبولی دارند. هیچ‌کدام از شاخص‌های برازش مقدار ضعیف یا متوسطی ندارند و تمامی شاخص‌های برازش در محدوده مناسب و قابل قبول قرار دارند که نشان داد کلیت مدل تأیید شد و داده‌ها با مدل مفهومی تطابق داشتند. ضریب تعیین متغیر وابسته دلزدگی زناشویی برابر با ۰/۳۵ بود که مقدار متوسط و البته قابل قبولی بود و نشان داد دو متغیر ناگویی هیجانی و پرخاشگری ارتباطی پنهان توانستند ۳۵ درصد از واریانس دلزدگی زناشویی را تبیین کنند. در جدول ۳ نتایج تأثیر متغیرها بر یکدیگر یا اثر مستقیم آمده است.

جدول ۳. نتایج بررسی اثرات مستقیم در مدل

نوع تأثیر	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار p
ناگویی هیجانی -> پرخاشگری ارتباطی پنهان	۰/۴۱۲	۰/۲۶۶	۰/۰۴۵	۵/۹۲	<۰/۰۰۱
ناگویی هیجانی -> دلزدگی زناشویی	۰/۳۵۷	۰/۳۶۴	۰/۰۶۸	۵/۳۹	<۰/۰۰۱
پرخاشگری ارتباطی پنهان -> دلزدگی زناشویی	۰/۳۴۷	۰/۵۴۸	۰/۱۱۵	۴/۷۶	<۰/۰۰۱

یافته‌ها (جدول ۳) نشان داد که تأثیر مستقیم ناگویی هیجانی بر دلزدگی زناشویی تأیید شد ( $p < ۰/۰۰۱$ ). جهت تأثیر ناگویی هیجانی بر دلزدگی زناشویی، مثبت بود و بیانگر این بود که افزایش ناگویی هیجانی با افزایش دلزدگی زناشویی همراه بود. شدت رابطه ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی برابر با ۰/۳۵۷ بود که بیانگر شدت رابطه متوسط بود. مطابق یافته‌ها تأثیر

پرخاشگری ارتباطی پنهان بر دلزدگی زناشویی نیز تأیید شد که جهت رابطه مثبت بود و شدت رابطه برابر با ۰/۳۴۷ که بیانگر شدت رابطه متوسط بین پرخاشگری ارتباطی پنهان و دلزدگی زناشویی بود. آزمون نقش میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی با روش بوت استرایپینگ بررسی شد که نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. آزمون میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی به روش بوت استرایپینگ

مقدار p	حد بالا	حد پایین	خطای استاندارد	اثر غیرمستقیم	نوع رابطه میانجی‌گری
۰/۰۱۴	۰/۲۲۴	۰/۰۵۶	۰/۰۴۱	۰/۱۴۳	ناگویی هیجانی -> پرخاشگری ارتباطی پنهان -> دلزدگی زناشویی

یافته‌ها (جدول ۴) نشان داد که نقش میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه ناگویی هیجانی با متغیر وابسته دلزدگی زناشویی تأیید شد ( $p < 0/05$ ). بر این اساس پرخاشگری ارتباطی پنهان توانست نقش واسطه‌ای در رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی داشته باشد. شدت تأثیر غیرمستقیم برابر با ۰/۱۴۳ بود. در مجموع یافته‌ها بیانگر این بود که متغیر ناگویی هیجانی هم به‌طور مستقیم بر دلزدگی زناشویی تأثیر داشت و هم تأثیر غیرمستقیم (با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان) بر دلزدگی زناشویی داشت.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، طراحی مدل ساختاری دلزدگی زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان متأهل بود. نتایج این پژوهش نشان داد که ناگویی هیجانی توانست پرخاشگری ارتباطی پنهان را به‌طور مستقیم پیش‌بینی کند. همسو با این یافته جمشاد و داوری (۱۴۰۱) به این نتیجه دست یافتند که بین ناگویی هیجانی با پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه مثبت معناداری وجود دارد. وی و همکاران (۲۰۲۴) نیز گزارش کردند که ناگویی هیجانی می‌تواند هم به‌طور مستقیم و به‌طور غیرمستقیم از طریق

استرس ادراک شده، رفتار پرخاشگرانه را پیش‌بینی نماید. در تبیین احتمالی این نتایج می‌توان گفت که افرادی که سطوح بالایی از ناگویی هیجانی دارند، در شناسایی درست عواطف خود در روابط اجتماعی و رابطه زناشویی شان دچار مشکل هستند و این وضعیت موجب دوری‌گزینی و کناره‌گیری عاطفی آن‌ها از دیگران و به‌ویژه همسر خود می‌شود. علاوه بر این، این افراد در تفسیر هیجانات همسر خود نیز اشتباه می‌کنند و سوگیری منفی در تفسیر می‌تواند موجب اجتناب از صمیمیت عاطفی با همسرشان گردد. به‌تبع، آن‌ها تلاش می‌کنند عواطف منفی به‌خصوص خشمشان را که حاصل تفسیر غلط از هیجانات همسرشان بوده، از طریق خراب کردن وجهه اجتماعی همسرشان تخلیه کنند. در نتیجه، این افراد اقدام به بدگویی و افشاسازی اطلاعات محرمانه زندگی خصوصی همسرشان می‌کنند (اسماعیلی انامق و همکاران، ۱۴۰۳). ناگویی هیجانی که با نقایص در شناسایی، توصیف و ابراز عواطف شناخته می‌شود، مانعی مهم برای همدلی زناشویی، آگاهی عاطفی، اشتراک‌گذاری عواطف و صمیمیت عاطفی در رابطه زناشویی است و از این طریق می‌تواند موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و نقایص ارتباطی در بین زوجین گردد.

همچنین، یافته‌های این مطالعه نشان داد که ناگویی هیجانی توانست دزدگی زناشویی را به‌طور مستقیم پیش‌بینی کند. همسو با این یافته، بخشی (۱۴۰۰) به این نتیجه دست‌یافت که ناگویی هیجانی می‌تواند دزدگی زناشویی در معلمان متأهل را پیش‌بینی نماید. امیرخسروی، بهرامی و سعادت‌شامیر (۱۴۰۰) نیز گزارش کردند ناگویی هیجانی از طریق نارضایتی زناشویی می‌تواند موجب بروز طلاق عاطفی در زنان متأهل شود. نتایج پژوهش زارع باغبیدی و اعتمادی فرد (۱۳۹۹) حاکی از آن بود که ناگویی هیجانی می‌تواند از طریق کاهش مهارت ارتباطی موجب افزایش دزدگی زناشویی زوجین متقاضی گردد. در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت که ویژگی اصلی ناگویی هیجانی، ناتوانی در بازشناسی و توصیف کلامی هیجانات شخصی، ناتوانی در به‌کارگیری عواطف، ظرفیت محدود برای همدلی و آگاهی عاطفی می‌باشد. ناگویی هیجانی مجموعه‌ای از نارسایی‌هایی عاطفی است که در آن فقدان ظرفیت عاطفی فرد منجر به دشواری در فهم و تبادل احساسات در روابط بین فردی و ناتوانی

در خودکنترلی هیجانی می‌شود (گراهام، بوات، کوپر و کینراد، ۲۰۲۵). هنگامی که اطلاعات هیجانی نتوانند در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی شوند، فرد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی می‌شود. این ناتوانی، سازمان عواطف و شناخت‌های فرد را مختل ساخته و به رابطه زناشویی آسیب وارد می‌کند (زارع باغبیدی و اعتمادی فرد، ۱۳۹۹). زوجینی که ناگویی هیجانی بالایی دارند، در شناخت، توصیف، ابراز و تفسیر عواطف و هیجانات خود و همسرشان دچار مشکل‌اند و در برقراری یک رابطه عاطفی بهنجار با همسر خویش ناتوان‌اند (بخشی، ۱۴۰۰). ناتوانی در برقراری یک ارتباط عاطفی بهنجار به تدریج باعث می‌شود زوجین احساس کنند به اندازه کافی نیازهای خود در رابطه زناشویی ارضا نمی‌شود، احساس درک شدن و همدلی دریافت نمی‌کنند و به‌طور مداوم درگیر سوءتفاهم و تعارضات زناشویی جدید هستند. علاوه بر این، ناگویی هیجانی می‌تواند مختل شدن مهارت‌های ارتباطی زوجین شود و قادر نباشند از مهارت‌های کلامی و غیرکلامی (مانند بازخورد هیجانی صحیح) استفاده کنند که به تدریج زمینه‌ساز اجتناب عاطفی، دلسردی و دلزدگی زناشویی می‌گردد.

علاوه بر این، نتایج نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان به نحو مستقیم توانست دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی کند. همسو با این یافته اسماعیلی انامق و همکاران (۱۴۰۳) گزارش کردند سطوح بالاتر پرخاشگری ارتباطی پنهان می‌تواند سطوح پایین‌تر رضایت زناشویی را پیش‌بینی نماید. علاوه بر این، امینی و همکاران (۱۴۰۲) به این نتیجه دست یافتند که بین پرخاشگری ارتباطی پنهان با رضایت زناشویی، رابطه منفی معنادار وجود دارد. در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت که کناره‌گیری عاطفی با رفتارهایی شامل خودداری از محبت کردن، دوری از مهربانی و عدم شفقت ورزی با همسر یا زوج، خودداری از صمیمیت جنسی و عاطفی با همسر خود نشان داده می‌شود، موجب کاهش صمیمیت و رضایت زناشویی و به تبع آن افزایش دلزدگی زناشویی می‌شود. دیگر مؤلفه پرخاشگری ارتباطی پنهان یعنی خراب کردن وجهه اجتماعی از طریق آزار غیرمستقیم همسر مانند بدگویی، شایعه‌سازی و فراهم کردن شرایطی که امکان دخالت دیگران در تعارضات زناشویی فراهم کند (مجلج نژاد، ۱۴۰۱)، می‌تواند موجب افزایش تنش و مشاجرات در رابطه زناشویی شود و دلزدگی زناشویی در

زوجین را تشدید ورزد. دلزدگی فقدان تدریجی دلبستگی عاطفی است که منجر به کاهش توجه به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش احساس دلسردی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر می‌گردد. پرخاشگری ارتباطی پنهان نه تنها زمینه‌ساز بروز دلزدگی زناشویی می‌شود بلکه باعث ایجاد یک چرخه معیوب پرخاشگری ارتباطی پنهان - دلزدگی زناشویی می‌شود. بر اساس دیدگاه کایزر (۱۹۹۳)، دلزدگی زناشویی در سه مرحله رخ می‌دهد: نخست، سرخوردگی و ناامیدی. دوم، مابین ناامیدی و دلزدگی، در این مرحله بارزترین احساس خشم و نفرت است. پرخاشگری ارتباطی پنهان در این مرحله موجب تشدید احساس خشم زوجین نسبت به یکدیگر، رفتار انتقام جویانه، بهانه‌جویی برای شروع تعارض جدید می‌شود و فرایند دلزدگی زناشویی را تسریع می‌بخشد. مرحله سوم، دلسردی و بی‌تفاوتی است. مشخصه اصلی این مرحله کناره‌گیری عاطفی که یکی از عناصر اصلی پرخاشگری ارتباطی محسوب می‌شود، می‌باشد. در واقع، در این مرحله زوجین به سردی عاطفی روی می‌آورند تا این گونه بی‌تفاوتی خود را نسبت به همسر و رابطه زناشویی‌شان نشان دهند (امینی و همکاران، ۱۴۰۲).

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان توانست رابطه ناگویی هیجانی با دلزدگی زناشویی در زنان متأهل را میانجی کند. همسو با این یافته، ذاکری، صفاریان طوسی و نجات (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که شفقت به خود در رابطه ناگویی هیجانی و مشکلات بین فردی بر دلزدگی زناشویی نقش تعدیل‌کننده دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ناگویی هیجانی موجب ناتوانی در تشخیص، توصیف، تمییز و تفسیر صحیح هیجانات می‌شود و زوجین نمی‌توانند پردازش هیجانی درستی از موقعیت‌های ارتباطی داشته باشند، در تنظیم عواطف خود دچار نقص می‌شوند و در نتیجه به پرخاشگری ارتباطی پنهان روی می‌آورند. کناره‌گیری عاطفی با بی‌توجهی، دلسردی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر خود و خراب کردن وجهه اجتماعی حاصل از پرخاشگری ارتباطی پنهان موجب کاهش علاقه زوجین به یکدیگر، سرخوردگی، ناامیدی و دلزدگی زناشویی می‌گردد.

در مطالعه حاضر، به طراحی مدل ساختاری دلزدگی زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی با میانجی‌گری پرخاشگری ارتباطی پنهان در زنان متأهل پرداخته شد که نتایج آن نشان داد پرخاشگری ارتباطی پنهان توانست رابطه ناگویی هیجانی با دلزدگی زناشویی در زنان متأهل را

میانجی کند. با توجه به اینکه پژوهش بر زنان متأهل ۲۵ تا ۴۰ ساله منطقه ۴ شهر تهران انجام شده، لازم است در تعمیم نتایج به سایر افراد مانند مردان یا خارج از دامنه سنی مذکور احتیاط صورت گیرد. محدودیت دیگر این پژوهش، استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس بود. لذا در جهت افزایش تعمیم‌پذیری مطلوب است از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود. همچنین، استفاده از طرح‌های ترکیبی در خصوص ارزیابی این مسئله، پیشنهاد می‌شود. با توجه به یافته‌های این پژوهش، روان‌شناسان و مشاوران خانواده می‌توانند با برگزاری جلسات و دوره‌های فردی و گروهی با هدف بهبود ناگویی هیجانی و پرخاشگری ارتباطی پنهان، دلزدگی زناشویی در زنان متأهل را کاهش بخشند.

## فهرست منابع

- اسماعیلی انامق، بهمن؛ پاک نژاد، حسین؛ و نریمانی، محمد (۱۴۰۳). رابطه ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی: مطالعه فراتحلیل. *زنان و خانواده*، ۱۹(۶۷)، ۱۸۸-۱۶۷.
- امیرخسروی، آنسته؛ بهرامی، هادی؛ و سعادت‌ی شامیر، ابوطالب (۱۴۰۰). مدل ساختاری طلاق عاطفی در ارتباط با ناگویی هیجانی و بخشودگی بین فردی با نقش میانجی نارضایتی زناشویی در زنان. *روان‌سنجی*، ۳۷(۱۰)، ۲۰-۷.
- امینی، شیرین؛ مردانی راد، مژگان؛ خسروی بابادی، علی اکبر؛ پوشنه، کامبیز (۱۴۰۲). نقش پرخاشگری پنهان ارتباطی و تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی رضایت زناشویی. *پژوهش توانبخشی در پرستاری*، ۹(۴)، ۳۸-۳۰.
- بخشی، عسل (۱۴۰۰). نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ناگویی هیجانی در دلزدگی زناشویی معلمان متأهل. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۴۴)، ۱۶۸-۱۶۰.
- بشیری، شیرین؛ باقری، نسرین؛ و طاهری، افسانه (۱۴۰۳). مقایسه اثربخشی زوج درمانی شناختی-رفتاری و زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر پرخاشگری ارتباطی پنهان در زوجین دارای تعارضات زناشویی. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۹(۷۶)، ۲۵۹-۲۴۳.
- جمشاد، پریسا؛ و داوری، رحیم (۱۴۰۱). پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس ویژگی‌های شخصیت و ناگویی هیجانی زنان متأهل شهر تهران. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۲(۴۸)، ۱۰۲-۸۹.
- خزاعی، سمانه؛ نوابی نژاد، شکوه؛ فرزاد، ولی‌الله؛ و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس پرخاشگری پنهان ارتباطی در زوجین ایرانی. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۰(۲)، ۸۸-۷۵.
- درگاهی، شهریار؛ اعیادی، نادر؛ و خبازی، مریم (۱۴۰۳). روابط علی تمایزیافتگی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و طلاق عاطفی در زنان متعارض با میانجی‌گری تعارض زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱۱(۱)، ۶۱-۴۸.
- ذاکری، فاطمه؛ صفاریان طوسی، محمدرضا؛ و نجات، حمید (۱۳۹۸). نقش تعدیل‌کننده خود

- شفقتی در تأثیر ناگویی هیجانی و مشکلات بین فردی بر دلزدگی زناشویی در زنان ناسازگار. *روانشناسی مثبت*، ۵(۴)، ۳۵-۵۰.
- رجایی، معصومه؛ نصری، مریم؛ و شهابی زاده، فاطمه (۱۴۰۳). اثربخشی درمان شناختی - رفتاری بر دلزدگی زناشویی و سرمایه‌های روان‌شناختی همسران جانبازان. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، (۱) -.
- رحمانیان، زاهده؛ غلام پور گنجه، زهرا (۱۴۰۳). تعیین واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه ذهن‌آگاهی، تعهد زناشویی و همدلی با دلزدگی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به شورای حل اختلاف شهر یاسوج. *پژوهش‌های کاربردی در مشاوره*، (۱) -.
- رزم آرا. مرتضی؛ جاجرمی، محمود؛ و دوستکام، محسن (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و طرحواره درمانی بر ابرازگری هیجانی در میان زوج‌های دارای دلزدگی زناشویی. *پویایی روان‌شناختی در اختلالات خلقی*، ۲(۴)، ۸۱-۷۱.
- زارع باغبیدی، محبوبه؛ و اعتمادی فرد، اعظم (۱۳۹۹). تعیین نقش واسطه‌ای مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۵۰-۱۳۵.
- سبز چمنی، شیما (۱۳۹۹). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های تفکر و ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد رودهن. *ایده‌های نوین روان‌شناسی*، ۴(۸)، ۱۱-۱.
- سیفی، سید علیرضا؛ جمشاد، پرینا؛ نجفعلی زاده، اعظم؛ اسدی، فاطمه؛ و محمدی، سارا (۱۴۰۰). پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس ناگویی هیجانی و عدم تحمل بلا تکلیفی در نوجوانان دارای سابقه رفتارهای خود جرحی. *پژوهش‌های کاربردی در مشاوره*، ۴(۳)، ۱۴۲-۱۳۱.
- فرامرزی راد، بهروز؛ رباط میلی، سمیه؛ ابوالمعالی الحسینی، خدیجه؛ و زارع بهرام آبادی، مهدی (۱۴۰۲). پیش‌بینی ناگویی هیجانی بر اساس پردازش اطلاعات هیجانی با میانجی‌گری خود افشایی هیجانی در افراد متأهل. *علوم روان‌شناختی*، ۲۲(۱۲۹)، ۳۲-۱۹.

متحملیان، شکوه؛ و سجادیان، ایلناز (۱۴۰۳). اثربخشی درمان مبتنی بر کارآمدی هیجانی بر ناگویی هیجانی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی در زنان دارای کمر درد مزمن. *بیهوشی و درد*، ۱۵(۳)، ۱۷-۱.

مجلع نژاد، نرگس (۱۴۰۱). پیش‌بینی پرخاشگری ارتباطی پنهان بر اساس کیفیت زندگی جنسی و رفتار دل‌بستگی در روابط زناشویی در زنان متأهل. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۷(۵۵)، ۳۸۷-۳۷۶.

ناظران، زهرا؛ حقایق، سید عباس؛ ریسی، زهره؛ و دهقانی، اکرم (۱۴۰۳). الگویابی ساختاری دلزدگی زناشویی و کلیشه‌های جنسیتی با واسطه گری بخشش زناشویی. *دست آوردهای روان‌شناختی*، ۴(۱)، ۴۳۲-۴۱۱.

یوسفی، ویدا؛ سامانی، سیامک؛ و گودرزی، محمود (۱۴۰۱). طراحی مدل مفهومی پیشایندها و پسایندهای دلزدگی زناشویی و تعیین اثر بخشی پروتکل آموزش مستخرج از مدل بر بهبود دلزدگی و صمیمیت زناشویی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۲)، ۲۲۶-۲۱۴.

Bagby, R. M., Parker, J. D., & Taylor, G. J (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia Scale—I. Item selection and cross-validation of the factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*, 38(1), 23-32.

Bagby, R. M., Taylor, G. J., & Parker, J. D (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia Scale—II. Convergent, discriminant, and concurrent validity. *Journal of Psychosomatic Research*, 38(1), 33-40.

Besharat, M. A (2007). Reliability and factorial validity of a Farsi version of the 20-item Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. *Psychological reports*, 101(1), 209-220.

Carroll, J. S., Nelson, D. A., Yorgason, J. B., Harper, J. M., Ashton, R. H., & Jensen, A. C (2010). Relational aggression in marriage. *Aggressive Behavior*, 36(5), 315-329.

Fatemi, M., Dayariyan, M. M., & Mosavi, A (2025). The effect of the educational package to reduce marital boredom based on the

- lived experiences of couples on marital boredom of couples who are bored with married life. *Journal of Psychological Science*, 23(144), 257-274.
- Ghasemi, H., Demehri, F., & Abooei, A (2023). Prediction of Mental Health based on Emotional Alexithymia and Marital Burnout of Women Affected by Infidelity. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 4(4), 428-455.
- Graham, H. L., Boat, R., Cooper, S. B., & Kinrade, N. P (2025). Alexithymia in athletic populations: Prevalence, and relationship with self-control and reinvestment. *Personality and Individual Differences*, 233, 112868.
- Kayser, K (1993). *When Love Dies: The Process of Marital Disaffection*. Guilford Press.
- Koçyiğit, M., & Uzun, M (2024). Couple burnout and marital satisfaction: Serial mediation by mindfulness and emotion regulation. *The American Journal of Family Therapy*, 1-19.
- Nelson, D. A., & Carroll, J. S (2006). Couples relational aggression and victimization scale (CRAViS). *Provo, UT: RELATE Institute*.
- Pines, A. M (1996). *Couple burnout*. New York: Routledge.
- Topkaya, N., Şahin, E., Terzioğulları Yılmaz, C., & Aşantugrul, N (2024). Predictors of Couple Burnout among Turkish Married Individuals. *Behavioral Sciences*, 14(7), 561.
- Yousefi, V., Samani, S., & Goudarzi, M (2024). Effectiveness of a Communication Skills Training Protocol on Improving Marital Burnout. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 5(3), 151-158.
- Wei, C., Fan, X., & Xu, Y (2024). *The relationship between Alexithymia and aggressive behavior: the mediating role of perceived stress*.